

نام من نفیست است و در لندن به دنیا آمدم و در همینجا کلان شدیم و درس در بخش وکالت خواندیم.

در بخش تجارت وکالت و از طفلیت خوش داشتم که در بخش تجارت و معاملات اقتصادی درس بخوانم اما این دو رشته را تقریباً نزدیک ساختم و بسیار یک رشته مشکل است اما بسیار کار برد دارد.

فامیل ما میخواستن که من داکتر شوم اما من این رشته را انتخاب کردم.

درس خواندن در محیط و شرایط دشوار افغانستان فرق داشت اگر دیده شود در دهه 60 باز هم شرایط درس به زن ها خویتر بود اما حال دشوار است. در جامعه افغانی درس خواندن به زن ها مشکل بود و به ما مردم که از نظر مذهب فرق داشتیم شرایط زیاد قید و دشوار بود.

درس خواندن اضطراب دارد و اما چانس ها را هم فراهم میکند و فرصت خوبی است برای فرزندان ما که درس بخوانند.

در خانه ما به زبان پنجابی گپ میزنیم، این بدین لحاظ است چون ما زبان پنجابی به ما زبان مذهبی است. مادرم یاد آوری میکند از دوران که در افغانستان زندگی میکردند و آنها هم تحصیلات خوب بود اما اینجا که آمدم از زبان فارسی دور شدیم اما هنوز هم فرهنگی افغانی داریم و موسیقی هنوز هم مشترک است.

در افغانستان در خانه به زبان پنجابی و در بیرون به زبان فارسی صحبت میکردند چون محیط فارسی بود.

اگر زمینه مساعد شود حتمی میروم به افغانستان.

در محافل ما بیشتر آهنگ های افغانی میباشد بعضی آن ها را میفهمم و آهنگ های پنجابی هم. و رباب را ما در درمسال استفاده میکنیم.

فرهنگ افغانی سر ما تاثیرات زیاد دارد نه تنها در موسیقی بلکه در غذا هم مثلی که ما در غذا حین مصالعه باب را استفاده میکنیم که مردم افغانستان میکردند.

ما پلو هم جور میکنیم با مصالعه های افغانی و اگر غذا های هندی هم بپزیم طعم افغانی دارد حتا ما بولانی گندنه درست میکنیم.

افغان بودن برای ما مهم است و ما افتخار میکنیم به آن. هم سن و سال های من افغانستان را ندیدند اما هنوز هم آن را دوست دارند. ما در در انگلستان هستیم دوست های ما در هند و جاهای دیگر اما هنوز هم افغان بودن در جنیتک ما است درست است که فعلاً من تابع انگلیس را دارم اما در اصل و قومیت من افغان هستم. حالا دیگر مسلمان های که از افغانستان بیرون شدند آن ها هم به همین نظر هستند.

من دوست های افغان های داشتم در مکتب و حالا هم دارم آن ها هم در یک منطقه با ما هستند و از یک دوکان خریداری میکنیم.

ما در بین خود دید و باز داریم اما به فارسی و زبان های کشور صحبت نمیکنیم چون بعضی ما بلد نیستیم اما کوشش ما این است تا یک کمیته جور بکنیم و در آن دری هم تدریس شود چون لسان دری برای شناخت سیک های افغان مهم است.

تمام جوان های افغان علاقه دارند که دری یاد بگیرند. اگر در درمسال ما قسمی که پنجابی تدریس میشود دری هم باشد ما علاقه داریم تا یاد بگیریم. در کابل به همین شکل بود و 4 زبان تا به صنف 8 که ما در درمسال میخواندیم تدریس میشد و بعد آن به مکتب میرفتیم.

زبان پنجابی را در درمسال یاد میگیریم چون کتاب مقدس ما به آن زبان است به مثل این که مسلمان ها لفظ عربی یاد میگیرند برای فهمیدن قرآن.

سیک های افغانستان را دیگران هم اینجا می شناسند و ما با سیک های پنجاب در مذهب یک هستیم اما در فرهنگ فرق داریم.

ما با مسلمان های افغانستان نظر به سیک های پنجاب شباهت های زیاد داریم از نگاهی فرهنگی و احترام است بین ما اما سیک های پنجاب با ما درست روی نمیکنند حتی در قسمت نشر کردن در فضای مجازی آن ها به عکس های عروسی ما مردم کمیت های خوب نمیدهند.

سیک های پنجاب با سیک های فرق دارند چنانچه یک سیک افغان دوست من به خانه سیک پنجاب رفت و والدین و گفتند که این دختر سیک افغان است و رضایت نشان ندادند اما به ما فرق نمیکنند از کجا باشد سیک بودن به ما کافی است.

این همه ربط میگیرید به درس و تحصیل ما حالا به مسلمان های افغان نزدیک تر هستیم نظر به سیک های پنجاب و احترام بین ما وجود دارد اما بعضی از سیک های افغان هستند که از افغانیت خود مشرمند و تحت تاثیر سیک های پنجاب رفتن اما ما کوشش میکنیم تا در آن اصلاحات بیاریم.